

بررسی مؤلفه‌های برنامه‌دسی انسان‌گرا بر اساس نظریه مک نیل و میزان بهره‌مندی

از آن در روش تدریس معلمان دوره ابتدایی

علیرضا عصاره*^۱ و افروز غزنی علویجیه^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مؤلفه‌های برنامه‌دسی انسان‌گرا بر اساس نظریه مک نیل و میزان بهره‌مندی از آن در روش تدریس معلمان دوره ابتدایی (چهارم و پنجم) انجام شد. روش تحقیق از نوع کاربردی، ترکیبی و طرح اکتشافی متوالی بود. در بخش کیفی بر مبنای فصل اول کتاب برنامه‌دسی در دوران معاصر، از نظریه تا عمل که به عنوان واحد زمینه انتخاب شد و به کمک تحلیل تم (انتخاب واحد تحلیل خلاصه کردن، شفاف‌سازی و ساختاربندی) و بر اساس روش تلخیصی - استقرایی، ۱۳۳ کلیدواژه استخراج شد. در نهایت بر اساس طبقه‌بندی، مقولات احساسات، تجربه، اخلاقیات، همکاری، توانایی و مهارت، خلاقیت و نوآوری، ارزش‌ها و باور عاطفی دسته‌بندی شدند. به کمک مؤلفه‌های مشخص شده از روش کیفی، پرسشنامه محقق‌ساخته مبتنی بر مقیاس لیکرت طراحی شد تا دیدگاه‌های معلمان درباره مؤلفه‌ها و میزان بهره‌مندی آن‌ها مشخص شود. روایی پرسشنامه بر اساس نظرات متخصصان برنامه‌دسی انجام شد و برای پایایی، همسانی درونی پرسشنامه توسط ضریب آلفای کرونباخ = ۰/۷۶/سنجیده شد و برای پایایی پرسشنامه ۱۵ نفر از ۳۵ معلم مورد مطالعه به‌طور تصادفی در یک فاصله بیست و پنج روزه پرسشنامه را تکمیل کردند. در پایان نظرات معلمان بر اساس مصاحبه نیمه ساختاریافته و یادداشت سایر نظرات در پرسشنامه لحاظ شد. بر اساس نرم‌افزار spss22، درصد فراوانی مؤلفه‌ها، از دیدگاه معلمان، حاکی از آن بود که معلمان در حد خوب و بسیار خوب از مؤلفه‌های طبقه‌بندی شده بهره‌گرفته‌اند. پرورش احساسات بیشترین حالتی است که معلم در مؤلفه‌های انسان‌گرایی مختار به اجرای آن است که شامل احساسات مذهبی که ریشه

۱. نویسنده مسئول: دانشیار و عضو هیأت علمی رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، ایران alireza_assareh@yahoo.com

۲. دانشجوی برنامه‌ریزی درسی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، ایران

در عقاید و فرهنگ ما دارد. همچنین پرورش حس هم نوعی، پرورش رشد اخلاقی و ایجاد حس اعتماد متقابل نیز اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: مؤلفه‌های برنامه درسی، نظریه انسان‌گرایی مک نیل، روش‌های تدریس، معلم

مقدمه

از اوایل قرن بیستم، مفهوم سنتی برنامه درسی دستخوش تغییرات شد و به مفهوم جدیدی به صورت «سازماندهی فعالیت‌ها و تجربیات یادگیری تحت راهنمایی آموزشگاه برای تحقق رشد و شایستگی فردی و اجتماعی یادگیرنده‌ها و رسیدن به هدف‌های آموزشی» توجه شد. این مفهوم جدید پایه و سرآغازی برای شکل‌گیری و تحقق نظریات و تئوری‌ها شد که به نوعی، پیکره برنامه درسی را تشکیل می‌داد. و می‌توان گفت از اینجا بود که برنامه درسی به عنوان یک رشته علمی پا به عرصه وجود نهاد. بر این اساس رویکردهای برنامه درسی به دو دسته علمی-فنی و غیر فنی تقسیم می‌شود (عصاره، ۱۳۹۶).

در رویکرد علمی فنی، مدل‌های بسیار مختلفی از برنامه درسی وجود دارد. کار تایلر^۱ (۱۹۴۹) می‌تواند به عنوان یکی از مدل‌های فنی دیده شود. کار او برابر است با مدل محصول و پایه‌ای از برنامه درسی آموزشی که تمرکز کلیدی در این رویکرد بر نتیجه و پیامد تأکید دارد (اورنشتاین و هانکینز^۲، ۲۰۰۴)، اما یکی از روش‌های غیرفنی و غیر علمی برنامه درسی انسان‌گرا است. برنامه درسی انسان‌گرا به مخالفت با چارچوب‌های استاندارد است که بر رویکردهای یکنواخت مؤکد است و بر این باور است که هر کودک منحصر به فرد است و به جای یکنواختی باید بر تنوع تأکید داشت که یک عنصر بسیار خوب برای آموزش است (آیزنر^۳، ۲۰۰۲). باور داشتن به این نگاه به اضافه شدن تجارب شخصی‌گری در آموزش و پرورش و انسان‌گرایی منجر می‌شود. مریبان اغلب فرصتی برای دانش‌آموزان فراهم می‌کنند تا دانش‌آموزان واحدها را با زندگی واقعی تطبیق دهند یا در انتخاب موضوعات مورد مطالعه

1. Tyler

2. Ornstein and Hunkins

3. Eisner

دخیل باشند (هوویت ۲۰۰۶، هوویت ۲۰۰۹، مک نیل ۲۰۰۹، ۳)

بر اساس پژوهشی در خصوص آموزش انسانی به این نکته پی برده شد که رویکرد انسانی بر اهمیت دنیای درونی یادگیرنده تأکید می‌کند و اندیشه، احساسات و احساسات فرد را در صف اول توسعه انسانی قرار می‌دهد. با توجه به این تغییر نگرش، آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت از رویکردهای رفتارگرایانه و روحی قبلی حذف شده است و در نتیجه نوع جدیدی از آموزش به نام آموزش انسانگرایی به وجود آمده است (خطیب و حمیدی، ۱۳۹۲).

در واقع ریشه‌های برنامه‌های درسی انسانگرا، در انسانگرایی فردی رنسانس با تأکید بر فرهنگ شخصی، آزادی فردی و رشد به عنوان بهترین شیوه به سوی زندگی سرشار و کامل است و هم در طبیعت‌گرایی قرن ۱۸ که اعتراضی علیه حکومت سرد منطق بود. طبیعت‌گرایان احساسات را پرستش می‌کردند و به تعلیم و تربیت نه به عنوان آماده‌سازی برای زندگی، بلکه به عنوان خود زندگی توجه می‌کردند. آن‌ها به فعالیت‌هایی معتقد بودند که به‌طور طبیعی از علایق کودکان و از احتیاجات آن‌ها نشأت می‌گیرد (مک‌نیل، ۲۰۰۹).

انسان‌گرایی بر عزت، استقلال، آزادی، یکپارچگی، رفاه، عدالت و ... تمرکز دارد. پتانسیل یادگیرندگان، انسان‌ها از تصمیم خود درباره زندگی خود لذت می‌برند و مربیان باید اعتماد کنند که انتخاب‌های تحصیلی فراگیران در حقیقت خوب است (آلونی، ۲۰۱۱، به نقل از چن و اسچیدکی، ۲۰۱۷) انسان‌گرایان دارای علایق و نظرگاه‌های متفاوتی هستند. دیدگاه‌های گروه اکثریت انسان‌گرایان که انسان‌گرایان مدرن یا انسان‌گرایان طبیعت‌گرا خوانده می‌شوند، ریشه در دیدگاه‌های ارسطو و سقراط دارد. فلسفه انسان‌گرایی طبیعی به شدت تحت تأثیر فلسفه نوین‌گرایی قرار دارد. ورود فلسفه طبیعت‌گرایی به فلسفه انسان‌گرایی باعث رد تمام دیدگاه‌های مابعدالطبیعه‌ای شده است و روی استدلال علمی دموکراسی و همدردی انسانی و نیز حقوق طبیعی انسانی تأکید می‌کند (قادری، ۱۳۸۳). همچنین در سال ۲۰۱۴ مگیل ۴ و رودیگوز ۵ به برنامه‌های درسی انسانی انتقادی توجه کردند که برنامه‌های درسی تسلطی که در آن سلطه وجود دارد

-
1. Hewitt
 2. Huitt
 3. McNeil
 4. Magill
 5. Rodriguez

به برنامه درسی مبتنی بر یک زندگی روزمره و پویا برای دانش‌آموزان تبدیل می‌شود که از آموزش و پرورشی حمایت می‌کند که مبتنی بر خلاقیت و عمل روزمره و آزادی است. انسان‌گرایان برنامه درسی را به عنوان فرایند هوشیار کردن درباره نگرانی‌ها و مسائل خصوصی دانش‌آموزان می‌بینند و با استفاده از تعاملات اجتماعی و منابع کلاس‌ها برای افزایش و به اشتراک گذاشتن این مفاهیم در عموم و احتمالاً، انتقال افراد به فرایندها کوشش می‌کنند. اهداف برنامه درسی نباید تنگ‌نظرانه درک شوند. برنامه درسی که برای شرایط حال و آینده و نگرانی‌های دانش‌آموزان طراحی، و طیف وسیعی از منابع فرهنگی را شامل می‌شود، بهتر از برنامه درسی است که تنها بر سنت تأکید دارد. پذیرش نهایی چیزی که آموزش داده و یادگرفته می‌شود، قضاوت ارزش‌ها است. تصمیمی که می‌خواهد پذیرفته شود باید با شواهدی مطابق باشد که نشان می‌دهد که اهداف به نفع یادگیرنده است و همچنین در دسترس بوده و بدون داشتن دستورالعمل به دست نمی‌آید (مک نیل، ۲۰۰۹).

پینگ چن^۱ و اسچیدکی^۲ در سال ۲۰۱۷ به بررسی عناصر انسانی در تمرینات آموزشی اقدام کردند و نشان دادند عناصر انسانی مریبان را قادر می‌کند تا دانش‌آموزان را در جهت توسعه مهارت‌ها در رابطه، کار تیمی، حل مسأله، بهبود سیستم، یادگیری مادالعمر و... توانا کنند. برنامه درسی انسان‌گرایانه با تأکید بر معنا و مفهوم شخصی، فراگیر را به سمت شناخت خود هدایت می‌کند و به او می‌آموزد که با تعمق در توانایی‌های بالقوه خود و به فعلیت رساندن آن‌ها می‌تواند به درجات وسیع وجود خویش دست یابد. هدف چنین برنامه درسی، صرفاً، انتقال دانش و معلومات و آموختن مهارت استدلال و اندیشیدن نیست، بلکه آرمانی فراتر از این داشت. برنامه درسی انسان‌گرایانه درصدد بود که محتوای آموزش و یادگیری را با عوامل عاطفی و درونی فرد مرتبط سازد و همزمان با یادگیری مفاهیم به رشد عاطفی فرد منجر شود و او را با حقیقت درون خویش مأنوس کند (میلر، ۱۹۸۳).

انسان‌گرایان ادعا می‌کنند تمام دانش، شخصی و ذهنی است. برای آن‌ها دانش نتیجه ادراک‌های منحصر به فرد یک شخص از جهان است. برنامه درسی تولید شده توسط دانش‌آموز بر مفاهیم و اصول انسان‌گرایانه و بازسازگرایانه اجتماعی استوار است. برنامه درسی در فرهنگ

1. Peng Chen

2. Schmidtke

دانش‌آموز قرار دارد: سواد آن‌ها، سطوح تأثیر آن‌ها، آرزوهای آن‌ها و زندگی روزمره آن‌ها. اهداف به‌دست آمده پیش زمینه‌های شخصی و تجربه را به اندازه موضوعات آکادمیک بازتاب می‌دهد. برای معلمان همیشه آسان نیست که از این رویکرد استفاده کنند. این رویکرد توسط آن‌هایی رد می‌شود که نقش خود را به عنوان انتقال‌دهنده پاسخ‌های «درست» به مشکلات از پیش تعیین شده می‌بینند. مگر اینکه به واسطه معلمان و همسالان برنامه اندازه‌گیری شده برای خلاقیت دانش‌آموزان در دانش و برنامه درسی معکوس عمل کند (مک نیل، ۲۰۰۹).

در واقع چنین واحدهایی اغلب دارای پروژه‌هایی هستند که بر حل مسأله خلاقانه تأکید دارند، اعتقاد بر این است که می‌توان راه‌حل‌های متعددی برای مسائل آموزشی و اجتماعی داشت، نه یک جواب صحیح استاندارد (برووم^۱، ۲۰۱۴). برنامه درسی انسان‌گرا به دانش‌آموزان کمک می‌کند آنچه می‌خواهند بشوند؛ این برنامه درسی است که یادگیری در ارتباطات شخصی، احساسات و موفقیت احتمالی در سطح بالایی آن است. همچنین بر حل مسائل و موضوعات اساسی تأکید فراوانی دارد، تأکید بر مسائلی که بیشتر باید آموزش داده شوند نه اینکه رها شوند به این امید که فرد خودش یاد می‌گیرد. برنامه درسی انسان‌گرایانه بر فعالیت‌های اکتشافی و حل مسأله بازی‌های گروهی و غیرمستقیم تأکید دارد و همه آن‌ها را برای نوآوری و خودشکوفایی بسیار حیاتی می‌داند. ویژگی عمده اینچنین سوگیری آن است که دانش‌آموزان با برنامه درسی درگیر می‌شوند که بر آینده‌ای مشخص و از پیش تعیین شده تأکید ندارد. مبتنی بر آینده‌ای محتمل و بالقوه است و سعی ندارد بدون در نظر گرفتن خواست فرد آنچه را که خود تشخیص می‌دهد، بر یادگیرنده تحمیل کند (مک نیل، ۲۰۰۹).

اگرچه فردیت یک مسأله مهم در انسان‌گرایی است. یادگیری گروهی و مشارکتی نیز به عنوان راه‌های برجسته برای پرورش نیازهای اجتماعی و عاطفی و تدریس دانش‌آموزان در مورد اهمیت کار با یکدیگر است. در حالی که پذیرش تفاوت‌های عقاید، تجربیات شناخته شده در این برنامه مهم است (هوویت ۲۰۰۹، مک نیل، ۲۰۰۹).

در کلاس‌های درس به شیوه انسان‌گرایی دانش‌آموزان با سطوح بالایی انتخاب در کشف منابع، روش‌های انسان دوستانه هدایت می‌شوند و این برنامه بسیار شبیه به برنامه درسی

سازنده‌گرایی است (شانک^۱، ۲۰۰۴). انسان‌گراها به جنبه تعاملی آموزشی بیش از برنامه‌ریزی پیشرفته توجه می‌کنند. در حقیقت، طرح‌ریزی فرصت‌ها، فعالیت‌ها و تجارب باید فرایندی مشارکتی بین دانش‌آموزان و معلم باشد و اهداف خود دانش‌آموزان مورد احترام باشد. این تأکید دستورالعمل‌های زیادی می‌دهد. معلم از طریق ایجاد شیوه‌های انعکاسی، گروه‌های پویا و شیوه‌های تعلیم حسی آماده می‌شود که ممکن است در آزادسازی ظرفیت خلاق یادگیرندگان ارزشمند باشد. آن‌ها ممکن است تلاش کنند تعصبات، تمایلات، ترس‌ها، علائق، نقاط قوت و دیگر صفاتی را شناسایی کنند که مربوط به توانایی مراقبت، احساس و مرتبط با دانش‌آموزان است (مک‌نیل، ۲۰۰۹).

فرض بر این است که دانش‌آموزان از طریق تعاملات خود با دیگران و به شکل فعال و از طریق تجربه مستقیم دانش خود را می‌سازند (دوریز^۲ و همکاران، ۲۰۰۲) کار گروهی و مشترک یک اصل مرکزی از استراتژی‌های برنامه درسی انسانی است که شامل پرورش احترام، روابط بین دانش‌آموزی است که بر پایه تشویق در پذیرش تفاوت در نظرها است (مک‌نیل، ۲۰۰۹ و آلونی^۳، ۲۰۱۱). در حالی که فعالیت‌های مشترک و همکاری ممکن است به فرصت‌های مستقیم برای مشاهده دیدگاه‌های متنوع منجر شود، معلمان متخصص باعث تسهیل این فعالیت می‌شوند. در واقع دانش‌آموزان با تکالیف مشارکتی فرصت‌هایی برای به اشتراک گذاشتن مسئولیت، شنیدن راه‌حل‌های جایگزین برای مشکلات می‌شوند (هورویز^۴، ۱۹۹۳).

بر اساس کتاب «برنامه درسی معاصر: در اندیشه و عمل» نوشته جان مک‌نیل^۵، مردم آمریکا نسبت به خود شکوفایی فردی دارای تعهدند و مکرراً والدین علاقمندی خود را نسبت به خود شکوفایی فردی دانش‌آموزان و همچنین پرورش احساسات و توانایی‌های فیزیکی آن‌ها و گسترش مهارت‌های عقلانی مورد نیاز به منظور قضاوت مستقل ابراز کرده‌اند.

برنامه درسی انسان‌گرایانه از اهداف آرمانی مردم حمایت کرده و به دانش‌آموزان کمک

1. Shank

2. DeVries

3. Aloni

4. Hurwitz

5. Contemporary Curriculum: In Thought and Action, John D. McNeil

این کتاب دارای چهارده فصل است که به ایدئولوژی‌های برنامه درسی، مسائل و موضوعات جاری، گرایش‌های موضوعی، جنبه‌های تاریخی و نظریه‌های نوید بخش در برنامه درسی از دیدگاه مک‌نیل می‌پردازد.

می‌کند تا آنچه را کشف کنند که هستند، نه اینکه آن‌ها را آن‌طور شکل دهند که دیگران می‌خواهند و طرح‌ریزی شده است (مک نیل، ۲۰۰۹)

دیدگاه‌های انسانی در برنامه‌های درسی علمی به روش‌های مختلفی از جمله: ارزش‌ها، ماهیت علم، جنبه‌های اجتماعی علم و شخصیت علمی انسان، علم از طریق جامعه‌شناسی، تاریخ و فلسفه آن دیده می‌شود. از دهه ۱۹۷۰، دیدگاه‌های انسانی درباره محتوای دانش‌آموزان به طور معمول در برنامه‌های درسی علم - فن‌آوری - جامعه^۱ یافت می‌شوند، اما محدود به این برنامه‌های آموزشی نیستند. بر اساس دیدگاه گلین^۲، ویژگی‌های «دیدگاه‌های انسان دوستانه» که در یک برنامه‌های درسی علمی (دارای سندیت) بر اساس دو مؤلفه شامل می‌شود (اکنون در برنامه‌های درسی وجود دارد) و حذف شده (نگاه مغفول به آن شده است) که بر اساس اهداف و ایدئولوژی‌ها این کار صورت گرفته است، در زیر مشخص می‌شود:

جدول ۱: ویژگی‌های احتمالی «دیدگاه‌های انسان دوستانه» در یک برنامه‌های درسی علمی بر اساس اهداف و ایدئولوژی‌ها (گلین، ۲۰۰۳)

اکنون به عنوان نگاه انسانی در برنامه‌های درسی دیده می‌شود.	اکنون به عنوان نگاه انسانی از برنامه‌های درسی مغفول است.
القا نگاه به اجتماعی شدن یا انطباق دادن دانش‌آموزان به جوامع محلی، ملی و جهانی که به طور فزاینده‌ای توسط علم و فناوری شکل می‌گیرد.	اجتماعی شدن، مراقبت از محیط زیست، یا تعلیم و تربیت به یک رشته علمی و اهمیت آن
آماده‌سازی شهروندی برای دنیای روزمره	آموزش حرفه‌ای دانش‌آموزان برای دنیای علمی
ابعاد عمل علمی و پیامدهای آن.	ایده‌های انتزاعی اغلب به صورت تفکیک شده از زندگی روزمره است.
دانش درباره علم و دانشمندان.	آگاهی از علوم متعارف
نگرانی‌های انسانی و استدلال علمی ترکیب می‌شود.	کنکاش این نکته که تنها استدلال علمی «عادت‌های ذهن» است.
دیدن جهان از طریق چشم دانش‌آموزان و بزرگسالان قابل توجه است.	دیدن جهان از طریق نگاه دانشمندان.
اجرای خرده فرهنگ‌های علمی به شکل بیگانه	آشنایی با زیر فرهنگ علم به عنوان یک علم مشخص.

ستون اول جدول ۱ لزوماً دوره‌های علوم انسانی را به خودی خود توصیف نمی‌کند و

1. STS
2. Glen

اینجا است که به احتمالی بودن آن بیشتر پی می‌بریم، چرا که برخی از اجزاء ممکن، این دوره‌ها را تشکیل می‌دهند. بیشتر دوره‌های علوم انسانی با هم ترکیب می‌شوند. داده‌های ستون یک با مسائل دیگر ترکیب می‌شود که به منظور پاسخگویی به نیازهای دانش‌آموزان است (ین ادغام چشم‌انداز انسانیت با یک دیدگاه علمی کانونی، متفاوت با مطالعات مختلف تحقیقاتی است و می‌تواند مشکل‌ساز باشد) (گلین، ۲۰۰۳).

همچنین بر اساس کتاب مک نیل دو گونه مطرح از برنامه‌درسی انسان‌گرا را می‌توان ارائه کرد. برنامه‌درسی متلاقی^۱ و برنامه‌درسی بصیرت^۲. اگرچه که تعاریف متفاوتی برای آموزش متلاقی در نظر گرفته می‌شود، اما یک توافق عمومی در این باره وجود دارد و آن اینکه این نوع برنامه از طریق محتوا تأثیر خود را القا می‌کند. آموزش‌های متلاقی معمولاً از برنامه‌درسی موضوعی موجود حمایت می‌کند، در برخی کاربردهای این چنین آموزشی، به‌طور مثال، برنامه‌درسی برای ایجاد علاقه فراگیران به عنوان موضوع انتخاب شده و احساسات، انکار و ترس‌های آن‌ها به عنوان پایه‌هایی برای جستجو و یادگیری مطرح می‌شود. متلاقی‌گرایان اعتقادی ندارند که برنامه‌درسی باید به دانش‌آموزان آنچه را که باید احساس کنند و چگونگی احساس آن را یاد می‌دهد، بلکه برعکس، برآنند که باید گزینه‌های گوناگونی را فراهم آورد تا دانش‌آموزان با توجه به عقاید زندگی خود دست به انتخاب بزنند. شاپیرو^۳ و دیگران، پس از بررسی مثال‌هایی از برنامه‌درسی متلاقی نتیجه گرفتند که برنامه‌درسی متلاقی شامل اجزا و ویژگی‌های ذیل است. ۱- مشارکت بین دانش‌آموزان: بین دانش‌آموزان رضایت از تقسیم قدرت، مذاکره و مسئولیت مشترک حاکم است. در عین حال مبنای کار پرهیز از اقتدارگرایی و یک‌جانبه‌نگری دانش‌آموز، معلم و آموزش است. ۲- تلفیق: تعامل بین دانش‌آموزان با یک‌دیگر با معلمان، نفوذ و تأثیر نگاه درست خود در یک‌دیگر، تلفیق تفکرات و احساسات و عملکردها، بسیار حائز اهمیت است. ۳- ارتباط: موضوعی درسی در ارتباط نزدیک با نیازهای پایه و زندگی دانش‌آموزان بوده و برای آن‌ها هم از لحاظ عقلانی معنادار است. ۴- خود: خود موضوع مشروع یادگیری است. ۵- هدف: هدف یا مقصد اجتماعی، پرورش انسان کامل برای

1. confluent
2. consciousness
3. shapiro

جامعه انسانی است. و جوهره اصلی آموزش و پرورش همبندی تلفیق حیطه عاطفی (عواطف، نگرش‌ها، ارزش‌ها) با حیطه شناختی (دانش و توانایی‌های ذهنی) است. (مک نیل، ۲۰۰۹)

به نظر نگارنده برنامه درسی متلاقی به تلاقی فرهنگ کمک می‌کند. دانش‌آموزان در کلاس درس از هنر به عنوان یک کاتالیزور برای تحریک تعامل میان هنرمندان، دانش‌آموزان و معلمان استفاده می‌کنند و به داستان‌سرایی، نقاشی دیواری، موسیقی، درک عمیق‌تر مکان تشویق می‌شوند.

جفری برووم^۱ نیز نقش آموزش هنر در ارتقاء روابط حساس و تجربیات برای کودکان را به بررسی کرده است. اجرای واحدهای آموزشی بر مبنای موضوعات انسانی، استفاده از همکاری و فعالیت‌های گروهی و تمایل معلمان هنر به اتخاذ مراقبت از افراد با دانش‌آموزان خود است. نظریه‌های برنامه درسی سیستمیک، علمی، انسانی و اجتماعی را بازسازی می‌کند و این نظریه‌ها را به کار می‌گیرد. گرایش‌هایی که در شش یا هفت دهه گذشته در آموزش هنر به آن‌ها توجه شده است. در نظر داشته باشیم که اخیراً تمرکز بر رقابت فردی در مدارس ایالات متحده و گزارش‌های فزاینده‌ای از خشونت، قلدری، و سر و صدا از انحصار عمومی، استدلال برای تأکید دوباره بر نسخه‌های به روز شده از انسان‌گرایانه است. برنامه درسی در آموزش هنر به عنوان راهی برای پرورش یادگیری اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان توصیه می‌شود.

برنامه درسی «بصیرت» با معنویت و اشراق و آن چیزی در ارتباط است که ما به صورت خصوصی در هوشیاری‌های ذهنی خود، مانند ارتباطات فردی با دنیای پیرامون خود، تجربه می‌کنیم. و آن ممکن است مستلزم شهود و رموزی شخصی بوده که هر فرد برای یافتن معنا و هدف در کارها و زندگی روزمره خود دارا است و بر این عقیده مبتنی است که همیشه راه‌هایی برای بهتر زیستن در نگاه به جهان و همچنین بیان بهتر احساسات و ارتباط بهتر و بیشتر با دیگران وجود دارد. در یک برنامه درسی تلفیق شده، سعی می‌شود ابعاد عاطفی با موضوعات قراردادی تلفیق شده و معنای مورد نظر را از آن به دست آورد. طرفداران برنامه‌های درسی متلاقی خیلی به دانش عمومی مانند اطلاعات علمی تأکید نداشته و به شهود و دریافت ذهنی (مستقیم) توجه دارند (مک نیل، ۲۰۰۹). اگر روان‌شناسی جریان سوم را به عنوان مبنای برنامه

درسی انسانگرا در نظر بگیریم می‌توان اینگونه برداشت کرد که برنامه‌درسی باید باعث خود شکوفایی شود، یعنی باید موقعیتی را فراهم کند که یادگیرندگان بتوانند، احساسات خود را بیان کنند، فعالیت نمایند، آزمایش کنند، دیده شوند، بازخورد بگیرند و در نهایت خود را کشف کنند. از نگاه مک نیل، مازلو (که به نوعی پرچمدار رشته انسانگرایی است)، معتقد بود، انسان زمانی خود را کشف می‌کند که به تجربیاتی مانند عشق، تنفر، اضطراب، ناامیدی، لذت بتواند پاسخی مناسب دهد. برای مازلو این چنین تجربیاتی هم آغاز و هم نهایت یادگیری را شکل می‌دهند. پس برنامه‌درسی انسان‌گرایانه باید اینچنین تجربیاتی را بها داده و آن‌ها را برنامه‌ریزی کرده تا بتواند شرایط رشد فردی و شناختی فراگیر را فراهم کند (مک نیل، ۲۰۰۹). پس می‌توان بر اساس نگاه مک نیل در کتاب خود (برنامه‌درسی در دوران معاصر، از نظریه تا عمل^۱) و نگاه گلین (۲۰۰۳) دریافت آنچه مهم است توجه به مغفولات و مقولات نگاه انسانگرایی بر اساس اهداف در برنامه‌درسی است و آنچه در این مقاله برای ما مهم است، توجه به برنامه‌درسی بصیرت یافته بر اساس نگاه مک نیل است.

با این رویکرد هدف پژوهش حاضر بررسی مؤلفه‌های برنامه‌درسی انسانگرا بر اساس نظریه مک نیل و میزان بهره‌مندی از آن در روش تدریس معلمان دوره ابتدایی بود، چرا که بر اساس فرضیه جایگاه دیدگاه انسانگرایی در دوره دبستان بیشتر است و در این راستا سعی می‌شود به سؤال‌های زیر پاسخ داده شود.

مؤلفه‌های نظریه انسانگرایی در کتاب برنامه‌درسی معاصر (فصل اول) بر اساس نظریه مک نیل کدام است؟
بر اساس مؤلفه‌های به‌دست آمده در مرحله اول، نقش معلم و دانش‌آموزان در روش تدریس انسانگرا چگونه باید باشد؟
میزان بهره‌مندی از مؤلفه‌های به‌دست آمده از نظریه انسانگرایی مک نیل در روش تدریس معلمان چقدر است؟

نظرات معلمان از شایستگی مؤلفه‌ها و آشنایی آن‌ها با این مؤلفه‌های مشخص شده چیست؟

روش

روش این پژوهش از نوع ترکیبی و طرح اکتشافی متوالی انجام شده است. در این روش به دلیل دستیابی به ایده‌های دست اول و عمیق درباره‌ی نظریه انسان‌گرایی مک نیل از روش تحقیق کیفی اکتشافی استفاده شد. در بخش ابتدایی بر اساس کتاب مک نیل، با عنوان برنامه‌ی درسی در دوران معاصر، به شیوه‌ی کیفی و بر اساس تحلیل تم، مؤلفه‌های انسان‌گرایی بررسی شد که در فصل اول کتاب به آن‌ها اشاره شده است. واحد زمینه‌ی ما فصل اول از کتاب است. و روش تحلیل این کتاب بر پایه‌ی مشخص‌سازی کلمه انجام شد. این کلمات بر اساس میزان اهمیت از دیدگاه مک نیل و میزان تکرار آن‌ها در ابعاد برنامه‌ی درسی انسان‌گرا مشخص شد. بر این اساس کلمه‌های مرتبط با عنوان پژوهش مشخص شد، سپس شروع مقوله‌ها و دسته‌بندی آن‌ها در زیر گروه‌ها و مشخص‌سازی آن‌ها بر اساس یک خصوصیت انجام شد. در واقع تحلیل تم، شامل یک رفت و برگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و خلاصه‌های کدگذاری شده، و تحلیل داده‌هایی است که به وجود می‌آیند. نگارش تحلیل از همان مرحله اول شروع می‌شود. به طور کلی هیچ راه منحصر به فردی برای شروع مطالعه در مورد تحلیل تم وجود ندارد (برون و ویکتوریا، ۲۰۰۶).

بر اساس این روش، پس از بازخوانی‌های مجدد و بررسی‌های انجام شده بر اساس میزان اهمیت و تکرار آن در فصل اول تعداد واژه‌ها به ۱۳۳ رسید. در مرحله‌ی دوم از تحلیل تم، به صورت دستی واژه‌ها مشخص و برداشت محقق از هر واژه به صورت مخفف در کنار آن نوشته می‌شد. در مرحله‌ی سوم، دسته‌بندی انجام شد، و تحلیل کدها شروع شد. تمام ایده‌های مستقل در قالب مفاهیم (مانند «احساسات») و تم‌های فرعی یا همان زیر مقوله‌ها («پرورش احساسات») شناسایی و به هر کدام کد اختصاص داده شد. پس از دسته‌بندی، در مرحله‌ی چهارم به تصفیه و بازبینی مجدد و به بررسی اعتبار تم‌ها با دیگر داده‌ها اقدام شد. در مرحله‌ی پنجم که به رضایتمندی از تم‌ها منتهی شد، در یک گروه قرار داده و بر اساس نقش آن‌ها به نام‌گذاری گروه اشاره شد (جدول ۲). پس از آن نقش معلم و دانش‌آموز بر اساس نظر مک نیل از دیدگاه انسان‌گرایی بررسی و مؤلفه‌های مربوط به آن مشخص شد (جدول ۳)

1. Braun
2. Victoria

سپس بر اساس طرح اکتشافی متوالی، به کمک مؤلفه‌های مشخص شده از شیوه کیفی، پرسشنامه محقق ساخته بر مبنای مقیاس لیکرت طراحی شد. روایی پرسشنامه بر اساس نظرات متخصصان انجام شد و برای پایایی پرسشنامه، ۱۵ نفر از معلمان مورد مطالعه به‌طور تصادفی در یک فاصله ده روزه پرسشنامه را تکمیل کردند. همسانی درونی پرسشنامه توسط ضریب آلفای کرونباخ = ۰.۷۶٪ سنجیده شد. علاوه بر جمع‌آوری نظرات معلمان در رابطه با میزان بهره‌مندی از مؤلفه‌های انسانگرایی بر پایه پرسشنامه، مصاحبه و یادداشت سایر نظرات لحاظ شد. در مرحله دوم بر اساس پژوهش نیمه تجربی، از میان معلمان دوره ابتدایی شهر تهران، منطقه ۲۰، به شکل تصادفی ساده ۳۲ معلم خانم و آقا دوره ابتدایی مقطع چهارم و پنجم از میان مدارس دولتی انتخاب شدند. پس از صحبت درباره مؤلفه‌ها و مشخص‌سازی هدف، درخواست شد پرسشنامه را بر اساس روش تدریس خود و میزان بهره‌مندی از این مؤلفه‌ها در روش کار خود تکمیل کنند. همچنین از معلمان خواسته شد تا در صورت تمایل نظر خود را در کنار هر سؤال پرسشنامه اضافه کنند (جدول ۵)

بعد از مشخص‌سازی مؤلفه‌ها و طبقه‌بندی آنها، که در بخش روش پژوهش به آنها اشاره شد، یافته‌ها بر اساس جداول زیر مشخص شد.

یافته‌ها

در پاسخ به سؤال اول که مؤلفه‌های نظریه انسانگرایی در کتاب برنامه درسی معاصر (فصل اول) بر اساس نظریه مک نیل کدام است؟ با تلخیص ۱۳۳ واژه تکرار و با اهمیت از دیدگاه مک نیل و با کمک تحلیل تم این نتایج به دست آمد و به کمک هفت مؤلفه کاربردی و پرتکرار گروه‌بندی مؤلفه‌ها مشخص شد.

جدول ۲: گروه‌بندی مؤلفه‌های انسانگرا بر اساس کتاب برنامه درسی در دوران معاصر

مؤلفه	زیر مقوله‌ها
احساسات	توجه به خود شکوفایی، پرورش احساسات، توجه به انگیزش درونی، درک احساسات، پاسخ‌گویی به احساسات فردی، بروز احساسات، درک احساس راحتی، ارتقاء احساسات
تجربه	گسترش مهارت عقلانی، لذت تجربه از موفقیت، تجربه کردن زمان حال، پاسخ مناسب به تجربیات، استفاده از حداکثر ظرفیت خود

اخلاق	پرورش رفتار عاقلانه، پرورش رشد اخلاقی، رشد عزت نفس، تحمل شرایط سخت، توجه به آزادی فردی، اعتماد متقابل، رشد شخصیت فرهنگی، مسئولیت‌پذیری، تغییر در نگرش،
همکاری	پرورش روحیه انتقادی، احترام به افراد، گسترش روابط مثبت، خوب زندگی کردن بازی‌های گروهی، ارتباط با دیگران، همکاری آگاهانه، فعالیت اجتماعی، ارتباط با یادگیرنده،
توانایی‌مهارت	یادگیری مشارکتی، دیدگاه مثبت به دیگران، تقسیم قدرت، مسئولیت‌پذیری خودکارآمدی، توجه به توانایی فیزیکی، خودارزیابی، خودشناسی، مهارت حل مسئله، رشد متوازن
خلأقیّت و نوآوری	جسمی، ذهنی، اخلاقی، فعالیت اکتشافی، تفکر عمیق، استفاده از حداکثر ظرفیت خود، توانایی کشف خود، بازی‌های فکری، توانایی درک بهتر پیرامون خود، آماده‌سازی برای زندگی بهتر
ارزش‌ها، باور عاطفی	توجه به خلأقیّت، فرصت کسب موفقیت، ایجاد انگیزه، پرورش هوش خلاق، تلفیق تفکرات، عدم جواب قطعی برای تکلیف، پرورش مهارت زبانی، تلفیق رشته‌های علمی، جایگزین شدن برنامه درسی خنثی، استفاده از آموزش‌های متفاوت
ارزش‌ها، باور عاطفی	مهارت عاطفی، تغییر در نگرش، اشتیاق برای یادگیری، شناخت سطح انگیزش، روابط مادر و فرزندی، باورپذیری مهارت خود

مؤلفه مانند احساسات که در بردارنده حس فرد به موفقیت، خودشکوفایی، و ابزار حس وجودی خود در شرایط کلاسی است و به نقل از مک نیل و با تکیه بر دیدگاه انسانگرایی معلم در کلاس خود باید در شناخت و ابزار احساسات به دانش‌آموز کمک کند. در مؤلفه تجربه، شاهد تجربه کردن و لذت بردن از آزمایش و تجربه و دادن واکنش صحیح به آن است. و در پیشبرد تجربیات خود نیازمند گسترش مهارت عقلانی و استفاده حداکثری از ظرفیت خود است. در مؤلفه اخلاقیات، دانش‌آموز باید بتواند عزت نفس بالا، تحمل شرایط سخت، اعتماد متقابل، مسئولیت‌پذیری را یادبگیرد و معلم در پیشبرد رفتار عاقلانه، پرورش روحیه انتقادی و حس احترام به بزرگ‌تر در دانش‌آموز باید تلاش کند. مؤلفه همکاری که به مهارت اجتماعی تأکید دارد به روابط صحیح با بزرگ‌تر و همکلاسی اشاره می‌کند که شامل بازی گروهی، یادگیری مشارکتی، تقسیم کار و تقسیم قدرت است. در شناخت توانایی و مهارت دانش‌آموز خودکارآمدی، خودشناسی، مهارت حل مسئله و توجه به فعالیت اکتشافی بسیار حائز اهمیت است. معلم باید به توانایی فیزیکی و بر اساس آن به بازی‌های فکری توجه کافی را کند. در خلأقیّت شامل توجه به خلأقیّت، فرصت کسب موفقیت، ایجاد انگیزه، پرورش هوش خلاق، تلفیق تفکرات، عدم جواب قطعی برای تکلیف، پرورش مهارت زبانی، تلفیق

رشته‌های علمی، جایگزین شدن برنامه درسی خنثی، استفاده از آموزش‌های متفاوت است. و ارزش‌ها، باور عاطفی شامل مهارت عاطفی، تغییر در نگرش، اشتیاق برای یادگیری، شناخت سطح انگیزش، روابط مادر و فرزندی، باورپذیری مهارت خود است.

در پاسخ به سؤال دوم

بر اساس مؤلفه‌های به‌دست آمده در مرحله اول، نقش معلم و دانش‌آموزان در روش تدریس انسان‌گرا چگونه باید باشد؟

با توجه به مؤلفه به‌دست آمده در پاسخ به سؤال اول، به دسته‌بندی نقش معلم و دانش‌آموز در بیان این مؤلفه‌ها اقدام شد. این بخش نیز بر اساس تحلیل تم و مشخص‌سازی مؤلفه‌ها انجام شد. به طور مثال مؤلفه احساسات که در بخش قبل زیر مقوله‌های آن مشخص شد، نقش معلم و دانش‌آموز در بیان آن چگونه می‌تواند باشد و با تفکیک آن به کمک تحلیل کیفی به شفاف‌سازی بهتر آن اقدام شده است.

جدول ۳: زیر مؤلفه‌های مشخص شده برای نقش معلمان و دانش‌آموزان بر اساس نظر انسان‌گرایی مک نیل

ابراز احساسات،	پرورش احساسات دانش‌آموزان و کمک به رشد مثبت آن، گوش دادن به نظر دانش‌آموز
استفاده از حداکثر ظرفیت خود	منبع آموزش و راهبر بودن، فرصت ایجاد تجربه، پاسخ مناسب به تجربیات
تعامل مثبت، احترام‌گذاری	دارای انگیزه بالا، پرورش روحیه انتقادی و انتقادپذیری، پرورش رشد اخلاقی شاگرد
نقش خود را در گروه بپذیرد.	اعتماد متقابل، ایجاد شرایط کارهای گروهی، مدیریت
سخاوتمندانه انجام دادن کار	تقسیم قدرت، مدیر و سازمان‌دهنده
استفاده از حداکثر ظرفیت خود، انجام بازی‌های فکری	کمک به خودکارآمدی، توجه به تمام توانایی‌های شاگرد و پرورش آن‌ها، پرورش مهارت حل مسأله
اشتیاق برای یادگیری، استفاده از حداکثر هوش خلاق خود	پرورش محیط چالش برانگیز و پرورش هوش خلاق، لذت در بیان، فرصت کسب موفقیت، استفاده از آموزش‌های متفاوت،
پاسخ مناسب به رابطه معلم	رابطه مادر و فرزندی، شناخت سطح انگیزش شاگرد

این جدول صرفاً از نظریات مک نیل بر پایه انسان‌گرایی و به کمک تحلیل تم انجام شده است و محقق هیچ دخل و تصرفی در بیان مؤلفه‌ها و نقش دانش‌آموز یا معلم نداشته است.

در پاسخ به سؤال سوم که میزان بهره‌مندی از مؤلفه‌های به‌دست آمده از نظریه انسان‌گرای مک نیل در روش تدریس معلمان چقدر است؟

بعد از نظرسنجی بر پایه مؤلفه‌های به‌دست آمده، و بر اساس تحلیل داده‌های انجام شده توسط نرم افزار SPSS22 و میزان فراوانی در هر گروه جدول زیر با مقادیر آن و برای هر مؤلفه درصد میزان پاسخ‌گویی آن مشخص شد.

در این بخش میزان اهمیت معلمان به مؤلفه‌های به‌دست آمده از دیدگاه مک نیل بیان شد. به‌طور مثال در پرورش احساسات ۳۴/۳ درصد توانمندی و ابراز آن را در روش تدریس خود مهم تلقی کرده‌اند و آن را اعمال می‌کنند. حدود ۴۰ درصد خیلی خوب، ۱۴/۳ درصد خوب و ۸/۶ درصد متوسط را انتخاب کرده‌اند. و در ۱۷ سؤال دیگر نیز میزان پاسخ‌گویی به همین منوال مشخص شده است.

با کمک این جدول می‌توان به نگرش معلمان و میزان بهره‌مندی آن‌ها از مؤلفه‌های انسان‌گرایی مک نیل پی برد. که هرچه در طیف عالی و خیلی خوب قرار گرفته باشد، میزان بهره‌مندی معلمان از این نظریه بیشتر و هرچقدر به سمت ضعیف حرکت کند، معلمان فاقد توجه و استفاده از این دیدگاه را مد نظر دارند و باید معلمان را با سوق دادن به کاربرد این مؤلفه‌ها تشویق کرد.

جدول ۴: فراوانی هر مؤلفه توسط مقیاس لیکرت بر اساس پاسخگویی معلمان

تعداد	مؤلفه پرسشنامه	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
۱	روش‌های پرورش احساسات در تدریس	۳۴,۳٪	۴۰,۰٪	۱۴,۳٪	۸,۶٪	۰
۲	اهمیت به نظر و احساس دانش‌آموز	۱۱,۴٪	۳۷,۱٪	۳۴,۳٪	۵,۷٪	۰
۳	کمک به خودکارآمدی دانش‌آموز	۲۲,۹٪	۳۷,۱٪	۱۷,۱٪	۸,۶٪	۵,۷٪
۴	منبع آموزش و راهبر بودن	۸,۶٪	۲۸,۶٪	۳۴,۳٪	۱۱,۴٪	۸,۶٪
۵	ایجاد فرصت تجربه	۱۱,۴٪	۲۰,۰٪	۱۷,۱٪	۳۱,۴٪	۱۱,۴٪
۶	پاسخ مناسب به تجربیات دانش‌آموز	۴۵,۷٪	۴۵,۷٪	۰	۰	۰
۷	دارای انگیزه بالای تدریس	۴۲,۹٪	۲۸,۶٪	۲۰,۰٪	۰	۰

۸	پرورش روحیه انتقادی و انتقادپذیری	۸,۶٪	۸,۶٪	۳۱,۴٪	۲۸,۶٪	۱۴,۳٪
۹	پرورش رشد اخلاقی شاگرد	۵۴,۳٪	۳۷,۱٪	۰	۰	۰
۱۰	ایجاد شرایط اعتماد متقابل	۵۱,۴٪	۳۴,۳٪	۵,۷٪		
۱۱	ایجاد شرایط کارهای گروهی	۱۴,۳٪	۳۱,۴٪	۲۸,۶٪	۱۷,۱٪	
۱۲	مدیریت تقسیم قدرت بین شاگردان	۴۵,۷٪	۳۴,۳٪	۱۱,۴٪		
۱۳	پرورش محیط چالش برانگیز	۸,۶٪	۳۴,۳٪	۲۴,۹٪	۱۴,۳٪	
۱۴	پرورش هوش خلاق	۱۷,۱٪	۳۴,۳٪	۳۷,۱٪	۲,۹٪	
۱۵	لذت در بیان	۲۲,۹٪	۵۱,۴٪	۱۷,۱٪		
۱۶	استفاده از آموزش‌های متفاوت	۱۰,۴٪	۳۱,۴٪	۲۸,۶٪	۲۱,۰٪	
۱۷	رابطه مادر و فرزند	۲۵,۷٪	۳۷,۱٪	۲۸,۶٪		۲,۹٪
۱۸	شناخت سطح انگیزش شاگرد	۱۷,۱٪	۳۷,۱٪	۳۷,۱٪		

در پاسخ به سؤال پنجم که نظرات معلمان از شایستگی مؤلفه‌ها و آشنایی آن‌ها با این مؤلفه‌های مشخص شده چیست؟

جدول ۵، که به کمک تحلیل محتوا (نظرات خارج از پرسشنامه که به صورت تحلیل و نظر خودشان در کنار پرسشنامه قید شده بود) انجام شد. بر اساس مقوله‌هایی مشخص شد که بیشتر تکرار یا با اهمیت جلوه داشته‌اند. سپس زیر مؤلفه‌ها مشخص و توسط جدول ۵ به نمایش گذاشته شد. به عنوان مثال پرورش احساسات از دیدگاه معلمان شامل پرورش احساس مذهبی، احساس شایستگی، احساس مثبت، احساس مسئولیت راه‌های پرورش احساسات: قصه گوئی، پند و اندرز، کلام بزرگترها و ائمه بیان شده است. آنچه مهم است و بیشتر به آن توجه شده است، دیدگاه معلم‌ها از دیدگاه معنوی و حس خودشان نسبت به پرورش آن در دانش‌آموزان است.

نظرات معلمان:

جدول ۵: شایستگی و آشنایی معلمان نسبت به انتخاب مؤلفه‌های انسان‌گرایی از دیدگاه مک نیل

۱	۲
شامل پرورش احساس مذهبی، احساس شایستگی، احساس مثبت، احساس مسئولیت	
راه‌های پرورش احساسات: قصه‌گویی، پند و اندرز، کلام بزرگ‌ترها و ائمه، احساس بزرگ بودن دانش‌آموز، مثبت بودن نظر او در کلاس	
پرورش حس باهوش بودن، توانمند بودن در کارها، خلاقیت داشتن از طریق: سهم شدن در بعضی امور کلاس، غنی سازی محیط یادگیری، تکالیف در حد توان و کمی دشوارتر	آ
منبع آموزش را کتاب و رسانه آموزشی می‌دانند، راهبر: حس جست و جوگری دانش‌آموز تقویت شود.	
کمبود دانش معلم، روش تدریس یک نواخت، کمبود وسایل کمکی، راه‌های ایجاد فرصت تجربه: راه‌های متفاوت برای رسیدن به جواب، انجام خلاقیت در تکالیف منزل، کار با وسایل پیرامون محیطی تحت نظر والدین	
ارائه بازخورد به تجربه در منزل، بررسی تکالیف مربوط به خلاقیت و تجربه شغل انبیاء، حس اعتماد به دانش خود، حس توانمندی، احساس مثبت به دانش‌آموز نبود جو محیطی، غلبه بر معلم و بزرگ‌ترها، مناسب این سن نیست.	
اخلاق مذهبی، احترام به بزرگ‌ترها، حس هم نوع دوستی، حس همکاری، حس مفید بودن	
قول دادن و قول گرفتن در برابر کار خوب، وقت‌شناسی به تعداد محدود بر اساس شرایط سنی، کار فرهنگی انجام دادن	
انتخاب سرگروه بر اساس بازه زمانی در کارهای کلاسی، فرهنگی ضعف دانش معلم، آشنایی با چالش‌های اساسی مانند کمبود آب، کمبود معازن انرژی	

کمبود وسایل کمک آموزشی، کمبود زمان، روش‌های ایفای نقش، نقاشی

کردن، کاردستی

آشنایی با قصه‌گویی، شروع مناسب، شناخت روحیه دانش‌آموزان

کمبود فضا، کمبود امکانات، روش‌های استفاده: سخنرانی، الکترونیکی و به ندرت

گردش علمی

حس نزدیک با دانش‌آموز، درک مشکل بیماری یا مشکل خانوادگی

۵

بر اساس جایزه، بر اساس نماینده کلاس شدن، بر اساس پیشرفت در نمرات

بحث و نتیجه‌گیری

دستیابی به مؤلفه‌های شاخص احساسات، تجربه، اخلاق، همکاری، توانایی و مهارت، خلاقیت و نوآوری، ارزش‌ها و باور عاطفی که در پاسخ به سؤال اول پژوهش به دست آمده است. مؤلفه‌هایی که مک نیل در بخش‌های متعدد کتاب خودش به آنها اشاره کرده است. شامل عنوان و زیر مقوله احساسات هستند همانند «توجه به خود شکوفایی، پرورش احساسات، توجه به انگیزش درونی، درک احساسات، پاسخ‌گویی به احساسات فردی، بروز احساسات، درک احساس راحتی، ارتقا احساسات» است. آنچه مهم است شناخت احساس دانش‌آموز و پرورش خودشکوفایی است. و بهره‌مندی آن در پرورش شخصیت دانش‌آموزان در کلاس درس است. مهم است که دانش‌آموز در کلاس درس احساس خود را بیان کند، بتواند کار گروهی داشته باشد. معلم با کمک توجه به انگیزه دانش‌آموزان، آن را در حین تدریس درس و پس از آن تقویت کند. این پژوهش با پژوهش‌های زیر هماهنگ است.

بر اساس پژوهش خطیب و حمیدی، ۱۳۹۲ در خصوص آموزش انسانی به این نکته پی برده شد که رویکرد انسانی بر اهمیت دنیای درونی یادگیرنده تأکید می‌کند و اندیشه، احساسات و احساسات فرد را در صف اول توسعه انسانی قرار می‌دهد. با توجه به این تغییر نگرش، آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت از رویکردهای رفتارگرایانه و روحی قبلی حذف

شده است و در نتیجه نوع جدیدی از آموزش به نام آموزش انسان‌گرایی به وجود آمده است. بر اساس تحقیقات پینگ چن و اسپیدکی در سال ۲۰۱۷، مشخص شد عناصر انسانی مریبان را قادر می‌کند تا دانش‌آموزان را در جهت توسعه مهارت‌ها در رابطه، کار تیمی، حل مسأله، بهبود سیستم، یادگیری مادالمر و... توانا کنند.

آلونی در سال ۲۰۱۱ عنوان کرده است که انسان‌گرایی بر عزت، استقلال، آزادی، یکپارچگی، رفاه، عدالت و ... تمرکز دارد. پتانسیل یادگیرندگان، انسان‌ها از تصمیم خود درباره زندگی خود لذت می‌برند و مریبان باید اعتماد کنند که انتخاب‌های تحصیلی فراگیران در حقیقت خوب است.

برنامه‌ی درسی که در مدرسه‌ی ابتدایی «گولیت» آستین، در ایالت تگزاس اجرا شده است^۱ با هدف گسترش حساسیت‌های دلسوزانه زیست محیطی و دیدگاه‌های اخلاقی نسبت به طبیعت و آگاهی از بحران‌های محیطی و سرمایه‌گذاری شخصی در بهبود رفاه جهانی بود. در این مدرسه کودکان علاوه بر تمرین احترام به خود و دیگران از بیش از صد گونه مختلف حیوانی مراقبت کرده و در برنامه‌های وسیع بازیافت فعالانه درگیر شده و همچنین باغ و گلخانه ارگانیک بسیار وسیعی را حفاظت و نگهداری می‌کنند (مک نیل، ۲۰۰۹).

ما هم باید به کمک معلم و محیط مدرسه بسترهای آموزش مهارت‌های زندگی و پرورش اخلاق محوری را آموزش دهیم. دانش‌آموزان بتوانند در مدرسه و با روش مؤثر آموزش توسط معلم، و دیدگاه‌های اخلاقی نسبت به طبیعت و آگاهی از بحران‌های محیطی و سرمایه‌گذاری شخصی در بهبود رفاه جهانی یاد بگیرند. حال می‌شود این راه را با کمک بحث و گفت و گو و پرسش و پاسخ انجام داد که به مفهوم بهتر دست پیدا کند.

در پاسخ به سؤال دوم: نقش‌های مشخص شده در کتاب، بر پایه انسان‌گرایی برای معلمان و دانش‌آموزان چیست؟

بر اساس جدول ۳ که بر پایه تحلیل تم مؤلفه‌ها و زیر مقوله‌ها در رابطه با نقش معلم این‌طور بیان شده است.

مؤلفه احساسات: نقش معلم در پرورش احساسات دانش‌آموزان و کمک به رشد مثبت آن، گوش دادن به نظر دانش‌آموز. و نقش دانش‌آموزان: ابراز احساسات. مک نیل در کتاب خود

1. Gullett in Austin – Texas

این طور بیان کرده است: در مقاله‌ای تحت عنوان «جاذبه اشراق» در آن *هابز*^۱ این را به ترسیم کشیده که چگونه هنر می‌تواند باعث افزایش آگاهی، معنا و زیبایی زندگی شود و بیان کرده است که چگونه معلم انسان‌گرا باید نیازهای ذهنی و عاطفی شاگردان را قبل از نیازهای آموزشی مورد تأکید قرار دهد.

مک نیل در کتاب برنامه درسی معاصر در رابطه با نقش معلم در تکنیک‌های فرا فردی و راهنمایی دانش‌آموزان این‌طور نوشته است: کاربرد این چنین تکنیک‌هایی مانند «آرامش» «سفر خیالی» که در آن‌ها معلم از شاگردان خود می‌خواهد در آرامش فرو رفته و تصور کنند الکترون هستند و در مسیر گفته شده حرکت می‌کنند، (سفر خیالی). وقتی آن‌ها در ادامه مطالب مربوط به این موضوع را در آزمایشگاه کار می‌کنند، مطالب را خیلی راحت‌تر و بهتر متوجه می‌شوند. وقتی معلمان با دقت به شاگردان گوش فرا می‌دهند، تازگی، خوشحالی، ناراحتی، حیرت آن‌ها را می‌پذیرد و در تغییر ارزش‌های فرد با هم تعامل می‌کنند، خطر بالایی را مرتکب می‌شوند. *هابز* در خطر بودن معلمان را نشانه‌ای از تردید به وجود آمده درباره ماهیت ارزش‌ها می‌داند و آن‌ها باید حتی زمانی که این خطر را احساس می‌کنند نیز به تردیدها و سؤالات دانش‌آموزان پاسخ دهند. اگرچه معلم برای کمک به دانش‌آموزان جهت یافتن منابع مورد نیاز همیشه حاضر است. اما وی وقتی اطلاعات لازم فراهم باشد، خیلی در کار فراگیران مداخله نمی‌کند. به دلیل اینکه چالش و درگیری ذهنی و عاطفی و فیزیکی حتی می‌تواند باعث رشد حیطه‌های مختلف باشد این برنامه سعی در ایجاد چالش‌های مختلف و متناسب برای بررسی دارد.

در پاسخ به سؤال سوم که میزان بهره‌مندی از مؤلفه‌های به‌دست آمده از نظریه انسان‌گرای مک نیل در روش تدریس معلمان چقدر است؟ بر اساس جدول چهارم و بر پایه مقیاس لیکرت درصد فراوانی در هر سؤال مشخص شده است. هر معلم بر اساس سنجش خود درباره روش تدریس و میزان استفاده از این مؤلفه‌ها از عالی، خیلی خوب، خوب، متوسط، ضعیف مشخص کردند.

عالی: دارای انگیزه بالای تدریس، پرورش رشد اخلاقی شاگرد، ایجاد شرایط اعتماد متقابل، مدیریت تقسیم قدرت بین شاگردان

خیلی خوب: روش‌های پرورش احساسات در تدریس، اهمیت به نظر و احساس

دانش‌آموز، کمک به خودکارآمدی دانش‌آموز، ایجاد فرصت تجربه، پاسخ مناسب به تجربیات دانش‌آموز، ایجاد شرایط کارهای گروهی، پرورش محیط چالش برانگیز، پرورش هوش خلاق، لذت در بیان

خوب: استفاده از آموزش‌های متفاوت، شناخت سطح انگیزش شاگرد، منبع آموزش و راهبر بودن، پرورش روحیه انتقادی و انتقادپذیری پرورش هوش خلاق و در پاسخ به سؤال چهارم: نظرات معلمان از بهره‌مندی و آشنایی با این مؤلفه‌های مشخص شده، چگونه عنوان می‌شود؟

بر اساس گفتگوهای روزمره و یادداشت برداری آن و مصاحبه نیمه ساختار یافته و همچنین یادداشت معلمان در کنار انتخاب گزینه پرسشنامه‌هایی که به آن‌ها داده شد، تحلیل تم انجام شد. تحلیل را به صورت کلمه، بر روی یادداشت نوشته شده آن‌ها و مصاحبه شروع کردیم تا به مرحله اشباع رسیدو به شرح زیر بود.

شامل پرورش احساس مذهبی، احساس شایستگی، احساس مثبت، احساس مسئولیت، راه‌های پرورش احساسات: قصه‌گویی، پند و اندرز، کلام بزرگ‌ترها و ائمه، احساس بزرگ بودن دانش‌آموز، مثبت بودن نظر او در کلاس، پرورش حس باهوش بودن، توانمند بودن در کارها، خلاقیت داشتن از طریق: سهم شدن در بعضی امور کلاس، غنی سازی محیط یادگیری، تکالیف در حد توان و کمی دشوارتر، منبع آموزش را کتاب و رسانه آموزشی می‌دانند، راهبر: حس جست و جوگری دانش‌آموز تقویت شود. کمبود دانش معلم، روش تدریس یک نواخت، کمبود وسایل کمکی، راه‌های ایجاد فرصت تجربه: راه‌های متفاوت برای رسیدن به جواب، انجام خلاقیت در تکالیف منزل، کار با وسایل پیرامون محیطی تحت نظر والدین، ارائه بازخورد به تجربه در منزل، بررسی تکالیف مربوط به خلاقیت و تجربه، شغل انبیاء، حس اعتماد به دانش خود، حس توانمندی، احساس مثبت به دانش‌آموز، نبود جو محیطی، غلبه بر معلم و بزرگ‌ترها، مناسب این سن نیست، اخلاق مذهبی، احترام به بزرگ‌ترها، حس هم نوع دوستی، حس همکاری، حس مفید بودن، قول دادن و قول گرفتن در برابر کار خوب، وقت‌شناسی، به تعداد محدود بر اساس شرایط سنی، کار فرهنگی انجام دادن، انتخاب سرگروه بر اساس بازه زمانی در کارهای کلاسی، فرهنگی، ضعف دانش معلم، آشنایی با چالش‌های اساسی مانند کمبود آب، کمبود مخازن انرژی، کمبود وسایل کمک آموزشی، کمبود زمان،

روش‌های ایفای نقش، نقاشی کردن، کاردستی، آشنایی با قصه‌گویی، شروع مناسب، شناخت روحیه دانش‌آموزان، کمبود فضا، کمبود امکانات، روش‌های استفاده: سخنرانی، الکترونیکی و به‌ندرت گردش علمی، حس نزدیک با دانش‌آموز، درک مشکل بیماری یا مشکل خانوادگی، بر اساس جایزه، بر اساس نماینده کلاس شدن، بر اساس پیشرفت در نمرات.

محقق از نتایج این پژوهش با کمک مصاحبه نیمه ساختار یافته و بررسی صحبت‌های روزمره با معلم‌ها و تحلیل محتوا به کمک تم و به‌صورت بررسی کلمه، کلمه انجام داده بود، به این نتیجه رسید که در کشور ما نیز شیوه انتقال مطلب با مواد آموزشی ارائه می‌شود. و کتاب‌های درسی بر اساس علایق مشترک و دیدگاه متخصصان تألیف می‌شود. و معلمان به ندرت در مطالب کتاب دخل و تصرف می‌کنند و به عنوان انتقال‌دهنده مطالب هستند تا راهبر و منبع آموزش. روش انتقادگری به درستی در میان رابطه دانش‌آموز و معلم رایج نیست و کمتر زمانی امکان دارد دانش‌آموز معلم خود و شیوه تدریس را نقد کند. می‌توان این واکنش را از حس احترام به بزرگ‌تر دانست. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که هنوز آرمان‌های انسانگرایی به طور کامل برای معلمان شناخته شده نیست. و این محدودیت به علت نظام متمرکز در کشور است. بیشترین حالتی که معلم در مؤلفه‌های انسانگرایی مختار به اجرای آن است، پرورش احساسات شامل احساسات مذهبی است که از عقاید و فرهنگ ما نشأت می‌گیرد. پرورش حس هم نوعی، حس همکاری، اجرای روش‌های محدود ارائه درس است. هنوز مدارس به ارزشیابی پایانی پایبند هستند و روش‌های خود ارزشیابی زیاد مرسوم نیست. معلمان نیازمند داشتن تجارب غنی در رابطه با شناخت دانش‌آموز، روش‌های تدریس متناسب با کلاس درس، دادن فرصت تجربه و حل مسأله و کار به صورت گروهی هستند.

پیشنهاداتی برای محققان دیگر:

۱. دامنه انتخاب معلم‌ها را به تعداد بیشتری گسترش دهد و تا جایی که به اشباع برسد این کار را ادامه دهد.

۲. با کمک مصاحبه نیمه ساختار یافته و انتخاب معلم‌های با سابقه (هدفمند) نتایج متنوعی بدست می‌آورد.

پیشنهاد برای معلم‌ها در استفاده از نظریه انسانگرایی مک نیل

۱. به مؤلفه‌های مشخص شده دقت و سعی کنید آن‌ها را در روش تدریس خود بگنجانند

همانند شامل پرورش احساس مذهبی، احساس شایستگی، احساس مثبت، احساس مسئولیت، راه‌های پرورش احساسات: قصه‌گویی، پند و اندرز، کلام بزرگترها و ائمه، احساس بزرگ بودن دانش‌آموز، مثبت بودن نظر او در کلاس، پرورش حس باهوش بودن، توانمند بودن در کارها، خلاقیت داشتن از طریق: سهیم شدن در بعضی امور کلاس، غنی‌سازی محیط یادگیری، تکالیف در حد توان و کمی دشوارتر، منبع آموزش را کتاب و رسانه آموزشی می‌دانند.

۲. مهم است که معلم تا حدودی از تمرکز بر محدودیت‌ها فاصله بگیرد.

۳. معلمان خود با شناخت هفت مؤلفه اصلی می‌توانند تعدادی زیر مقوله مهم‌تری را پیدا کنند.

منابع

خادمی، مژگان، محمدی، عیسی و ونکی، زهره (۱۳۹۱). *ارزیابی قابلیت‌های کاربردی نظریه‌های پرستاری مبتنی بر انسان‌گرایی*، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی ۳۰(۳): ۳۰-۴۲.

عسگری، سیده صدیقه، میرشاه جعفری، سید ابراهیم و شریفیان، فریدون (۱۳۹۴). *برنامه درسی انسان‌گرایانه و تبیین عوامل اساسی آن از دیدگاه آموزه‌های اسلامی*، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۳(۲۸): ۲۱-۳۸.

عصاره، علیرضا (۱۳۹۶). *مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش دوره اول متوسطه در کشورهای منتخب*، تهران: آگاه.

قادری، مصطفی (۱۳۸۳). *بسترهای فهم برنامه درسی*، تهران: یادواره کتاب.

کاتب، محمد و حمیدی، هادی (۱۳۹۲). *آموزش انسانی: نگرانی‌ها، پیامدها و برنامه‌های کاربردی*، مجله آموزش زبان و تحقیقات، ۴(۱): ۴۵-۵۱.

جان، میلر (۱۳۹۶). *نظریه‌های برنامه درسی تهران*، مترجم مهرمحمدی، محمود تهران: سمت.

Aloni, N. (2011). *Humanistic education: From theory to practice*. In W. Veugelers (Ed),

Education and humanism: Linking autonomy and humanity (pp. 35-46). Rotterdam, The Netherlands: Sense Publishers.

Asgari, S., Mirshah Jafari, E. and Sharifian, F. (2016). *Humanistic curriculum and explanation of its basic factors from the point of view of Islamic teachings*,

- research on issues of Islamic education, 23(28), 21-38. (Text in Persian).
- Assareh, A. (2016). *Comparative Studies of Secondary Education in Selected Countries*, Thousand: Awareness (Text in Persian).
- Broome, Jeffrey L. (2014). COMMENTARY - *The case for humanistic curriculum: A discussion of curriculum theory applied to Art education*, *Journal of Art for Life*, 5 (1), 54.
- Braun, V. and Victoria C. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 83
- Chen, P. and Schmidtke, C. (2017). Humanistic elements in the educational practice at a United States sub-baccalaureate technical college. *International journal for research in vocational education and training*, 4(2): 117-145
- DeVries, R., Edmiaston, R., Zan, B. and Hildebrandt, C. (2002). *What is constructivist education*. Definition and principles of teaching.
- Eisner, E. W. (2002). *The arts and the creation of mind*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Glen, S. and Aikenhead, (2003). *Review of Research on Humanistic Perspectives in Science Curricula*, A paper presented at the European Science Education Research Association .ESERA 2003 Conference, Noordwijkerhout, The Netherlands, August 19-23.
- Ghaderi, M. (2005). *Subjects of Curriculum Understanding*, Tehran: Book References. (Text in Persian).
- Kateb, M. and Vahmadi, H. (2013). *Human Learning: Concerns, Consequences and Applications*. *Journal of Language and Research*, 4(1), 45-51. (Text in Persian).
- Huitt, W. (2009). *Humanism and open education*. *Educational Psychology Interactive*. Retrieved from <http://www.edpsycinteractive.org/topics/affect/humed.html>
- Hewitt, T. W. (2006). *Understanding and shaping curriculum: What we teach and why*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Hurwitz, A. (1993). *Collaboration in art education*. Reston, VA: NAEA.
- John, Miller (2016). *Curriculum views*. Translated by Mehremohammadi, M. Tehran: Position. (Text in ersian).
- Khademi, M., Mohammadi, I. and Vanaki, Z. (2012). *Evaluation of Applicable Capabilities of Humanistic Nursing Theories*, *Iranian Journal of Ethics and Medical History*. 5(3), 30-42. (Text in Persian).
- Libby Gordon, C. and Youmna Ashraf ,S. (2014). *Twelve tips on teaching and learning humanism in medical education*, *Medical Teacher*, 36, 8, 680-684, DOI:
- McNeil, J. D. (2009). *Contemporary curriculum: In thought and action* (7th ed.). Hoboken, NJ: John Wiley and Sons.
- Magill, K. and Rodriguez, A. (2014), *A Critical Humanist Curriculum*, Boise State University, *Scholar Works, Literacy, Language, and Culture Faculty*

Publications and Presentations.

- Ornstein A. C. and Hunkins, F. P. (2018). *Curriculum foundations, principles and issues*. (5th ed). Boston: Allyn and Bacon.
- Schunk, D. H. (2004). *Learning theories: An educational perspective* (4th ed.). Upper SaddleRiver, NJ: Peason.
- Tyler, R.W. (1949). *Basic principles of curriculum and instruction*. Chicago: University of Chicago Press.
- Usman, A. H., Shaharuddin, S. A. and Zainal Abidin, S. (2017). Humanism in Islamic education: Indonesian references. *International Journal of Asia Pacific Studies*, 13(1), 95–113.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Investigating the Components of the Humanistic Curriculum Based on McNeil's Theory and the and Assessing its Utilization in Teaching Methods by Elementary Teachers

Alireza Assare*¹ and Afsaneh Azizi Alavijeh²

Abstract

The present study was aimed at investigating the components of the humanistic curriculum based on McNeil's theory and its beneficial effects in the teaching method of elementary school teachers (fourth and fifth grades). The research was an applied, mixed-methods exploratory one. In the qualitative section, based on the first chapter of the book 'Contemporary Curriculum: In Thought and Action' which was selected as the basic unit of analysis and by means of theme analysis (selection of the unit for analysis-summarization, clarification and structuring) and based on the diagnostic-inductive method, 133 keywords were extracted. Finally, categories of emotions, experience, ethics, collaboration, ability and skill, creativity and innovation, values and emotional beliefs were categorized. With the help of the specified components of the qualitative method, a researcher-made questionnaire based on the Likert scale was designed to determine the teachers' points of view about the components and their usefulness. The validity of the questionnaire was confirmed based on the views of the curriculum experts. For estimating the reliability of the instrument, its internal consistency using Cronbach's alpha coefficient which turned out to be 0.76. Finally, teachers' comments were collected using semi-structured interviews and their comments in the questionnaire. The results suggested that the teachers have used good and very well classified components. The most important condition in which the teacher is able to implement

1. *Corresponding author: Associate Professor of Curriculum Planning of Shahid Rajaei Teacher Training University of Tehran, Iran. alireza_assareh@yahoo.com

2. Student of Curriculum Planning at Shahid Rajaei Teacher Training University of Tehran, Iran.

DOI:10.22051/jontoe.2019.19555.2154

<https://jontoe.alzahra.ac.ir>

it in the components of humanism was the cultivation of emotion, which included religious feelings that are rooted in our beliefs and culture. Also, the development of the sense of empathy, the development of morality and the creation of a sense of mutual trust were mentioned.

Keywords:

Curriculum Components, McNeil's Humanistic Theory, Teaching Methods, Teacher

